



فریاد می‌زدند مصدق پیروز است کاشانی... است. و امروز هم شما اذعان می‌کنید ملی‌گراها و چپی‌ها به کاشانی ناسزا می‌گویند... تقو بر تو ای چرخ گردون تقو. باز هم در پیام امروز آورده‌اید: «و این ادعا که یکی از فرزندان آیت‌الله کاشانی ابوالمعالی در زمان حیات او قادر بوده است خط پدر را چنان تقلید کند که کسی قادر به تشخیص آن نبوده است.»

پاسخ: من نفهمیدم بالاخره کدام پسر آیت‌الله نوشته. یک مرتبه آقای برهان می‌نویسد آقای محمود کاشانی یک مرتبه آقای ایرج افشار می‌گوید آیت‌الله محمد کاشانی و شما می‌نویسید ابوالمعالی - شکر ایزد ایشان در قید حیاتند و ماهنامه شما می‌تواند از ایشان تحقیق کند و نمونه خطشان را مقایسه نماید.

بعد از سالها سکوت بهترین راه را جعلی بودن نامه می‌دانند فقط و فقط برای اینکه روی خطاها و سکوت دکتر مصدق در ۲۸ مرداد کلاه بگذارند و این یک انتخاب ارزان و بی‌ارزش و پرمیثیف است. چون تاریخ خاطره کودتای ۲۸ مرداد و جاحالی کردن دکتر مصدق را به آن سهل و آسانی که روز قبلش نوشته بود: به پشتیبانی ملت ایران مستظهرم را با خاطره شاه سلطان حسین صفوی که تاج شاهی را بر سر اشرف افغان گذاشت و هر دو، ملت را که دودستی تحویل دشمن دادند زنده می‌کند و این برای مصدقیها دردناک است. لذا دیگران را جاعل و شاهی، بریده از نهضت ملی می‌نامند. و وحشتشان از این است که اگر امامزاده خوار گردد کار متولی زار می‌شود.

و بالاخره می‌نویسید: «در میان تمام هیاهوها، کسی به صرافت حامل نامه سید حسن سالمی - نوه بزرگ و از یاران آیت‌الله کاشانی است نبود.»

پاسخ: باید به عرض مبارکتان برسانم که من سید نیستم و از جانب پدری به خاندان عصمت و طهارت نمی‌روم. اگر منظور نویسنده تمسخر یا احترام است هر دو را به خود ایشان برمی‌گردانم.

و اینکه کسی به صرافت من نبود مردود است: آقای بهنود و آقای سرهنگ نجاتی هر دو در آلمان بودند و از هر دوی ایشان خواهش شد که کلبه مرا مزین کنند پاسخ منفی دادند. ولی



حضرت آیت‌الله خسروشاهی به این صرافت بودند و در مجله فرهنگ معاصر باکمال صراحت آورده‌اند و آقای افشار پاسخ مرا چاپ نکرده‌اند. ختم کلام اینکه خاطرات خود دکتر مصدق، خاطرات معاون وزارت راه، معاون دکتر فاطمی و حسن ارسنجانی و مخصوصاً سید جلال‌الدین طهرانی رئیس شورای سلطنت در زمان انقلاب اسلامی را بخوانید که می‌نویسد نخست‌وزیری الهیار صالح را به دکتر مصدق پیشنهاد می‌کند ولی با تعرض و پرخاش او روبرو می‌شود.

آری آقایان محترم شخصیتی که فقط تمام مهرها را برای حفظ وجهه خود می‌خواست و حتی شب کودتا با هندرسون که بزرگ‌ترین دوبرهم‌زن میان رجال مهم ایران بود مشورت کند و با نخست‌وزیری قوام و زاهدی راضی‌تر باشد تا صالح نخست‌وزیر نشود. معلوم است که در ۲۸ مرداد سکوت می‌کند و گناه شما به مراتب بیشتر چرا که می‌دانید ولی به نسل جوان و تاریخ حقایق را نمی‌گویید. شما بهتر از آن نیستید که نزد متولیان این امامزاده با قلب حقیقت و ناسزای به دیگران خود را آن دیگر جلوه نمایید که در واقع هستید. تاریخ را می‌توان به وسیله نویسندگان درباری یا ذی‌نفعان آتی قدری به کجراهه بود ولی نسلها می‌روند و می‌آیند ولی آنچه جاویدان است و هستند مغزهای فهیم بی‌حب و بغض که تاریخ را به مسیر اصلی واقعیات می‌آورند. کماینکه در زمان خود دیدیم که به تاریخ نتوانستند خدشه وارد کنند.

بازی چرخ بشکندش بیضه در کلاه آن کس که طرح شعبده با اهل راز کرد

فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید شرمند رهروی که عمل بر مجاز کرد

با درود: دکتر حسن سالمی

بی‌مناسبت نیست که دلایل شکست نهضت ملی را از زبان دکتر غلامحسین صدیقی از یاران دکتر مصدق نیز بشنویم، ایشان به شکل کلی و سربسته در پاسخ به سؤالی در این خصوص به موارد زیر اشاره می‌نمایند:

[سؤال] چگونه نهضت ملی ایران با چنان اتحاد و همبستگی که میان قشرهای جامعه ایجاد کرده بود و با وجود پیروزی‌هایی که در سایه آن اتحاد و اتفاق به دست آورده بود، دچار پراکندگی شد و در لحظات خطیر پیکار شکست خورد؟

دکتر صدیقی: پاسخ این سؤال مفصل است؛ باید از طرفی علل اصلی و اساسی و از سوی دیگر علل عارضی و حتی حوادث نامترقب را مورد بررسی و تحلیل قرار داد. اکنون چون در حال حاضر مجال تحقیق نیست؛ بعضی از علل مزبور، فهرست‌وار ذکر می‌شود:

۱. کیفیات و خصوصیات جامعه ایرانی و اوضاع و احوال طبقات و گروه‌های شهری، روستایی و ایلیاتی و اختلافات سنتی، برخورد منافع آنها و ضعف رشد سیاسی ناشی از آن اوضاع و احوال.

۲. موضوع جغرافیایی - سیاسی «ژئوپولیتیکی» ایران و سوابق روابط بین‌المللی آن و دگرگونی‌های حادث در اوضاع و احوال مرامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورهای بزرگ و منافع و رقابت‌ها و طمع‌ها و زد و بندهای گوناگون داخلی و خارجی آنها. در این باب نگرش‌ها و منافع جغرافیایی و سیاسی و اقتصادی و ملاحظات بین‌المللی دولت‌های اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان و ایالات متحده آمریکا در خور توجه مخصوص است.

۳. تأثیر فعالیت «تراست»ها و شرکت‌های بزرگ و چندملیتی در امور سیاسی و اقتصادی داخلی خود و کشورهای خراج.

۴. تصویر ظاهراً دور از واقع اختلاف اساسی بین دولت‌های سرمایه‌داری دخیل در امور سیاسی و اقتصادی و تکیه بر آن تصور.

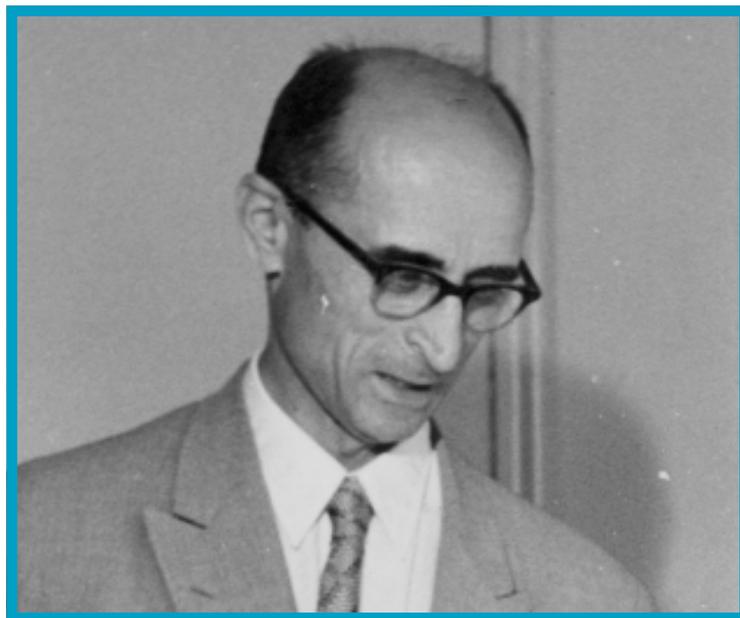
۵. امور مربوط به حکومت مشروطه ایران و نقایص و ابهام در قوانین اساسی مشروطیت.

۶. عدم صراحت کافی در حقوق سلطنت و موضع قانونی شاه و معارضه و درگیری آن حقوق با تمایلات و توقعات شخصی و تجاوزات او و درباریان به حقوق ملت.

۷. فقدان احزاب سیاسی ملی مؤثر، به لحاظ شرکت در انتخابات پارلمان و نظارت در سیاست داخلی و خارجی.

۸. مشکلات انجام انتخابات آزاد، ناشی از خصوصیات اوضاع نامساعد جامعه ایران و تأثیر جهل و گمراهی در اعمال نفوذهای داخلی و خارجی.

۹. ضعف اصول و ماهیت پارلمانی و ناپایداری اکثریت در مجلس شورای ملی و مجلس سنا همراه با سستی اخلاقی و سیاسی بعضی از نمایندگان.



## دلایل شکست نهضت ملی شدن نفت به روایت دکتر غلامحسین صدیقی





# دکتر محمد باقر

۱۰. قلت عده سیاستمداران درستکار و شجاع و مُصلح و آگاه به مواضع سیاست داخلی و بین‌المللی.

۱۱. عقاید و افکار دکتر مصدق و بینش ملی و اجتماعی و سوابق سیاسی او و برخورد این امور با موانع و محظورات داخلی و خارجی.

۱۲. جبهه ملی و کیفیت ایجاد و تشکیل و خصوصیات شخصی و مرامی اعضای آن.

۱۳. تشکیل تقریباً بدون مقدمه و بدون سابقه ذهنی دولت دکتر مصدق و نقصان بررسی‌ها و پیش‌بینی‌های لازم.

۱۴. ترکیب سیاسی نمایندگان مجلس هفدهم و تأثیرپذیری برخی از آنها از جریانات نامطلوب و کارشکنی داخلی و خارجی (شرقی و غربی) و تغییر روش سیاسی و تضعیف دولت به وسایل گوناگون.

۱۵. تبلیغات زینبار بعضی از گروه‌های متشکل سیاسی که برخی از آنان با مقامات خارجی پیوستگی داشتند.

۱۶. عمل گروهی مخالفان متعدد (به علل گوناگون) بعضی از سناتورها، افسران در حال خدمت، افسران بازنشسته، ملاکان بزرگ صاحب قدرت و نفوذ و کارگردانان خیانت‌پیشه و رشوه‌دهی و فسادپراکنی خارجیان ذی‌نفع.

۱۷. اشتباهات از جانب مسئولین و دست‌اندرکاران امور؛ مثلاً در انتخاب مشاغل اشخاص و ملاحظه کاری در اتخاذ بعضی تصمیمات، به خصوص در هفته‌های آخر در برابر زیاده‌روی‌ها و گفته‌ها و نوشته‌ها و مداخلات خارج از مصلحت اشخاص و گروه‌ها.

۱۸. دشواری‌های ناشی از قطع فروش نفت و مسدود کردن ذخایر ایران به لیره انگلیسی در بانک انگلستان و خودداری اتحاد جماهیر شوروی از پرداخت مطالبات ایران.

۱۹. به وجود آمدن زمزمه‌های مخالفت حاصل از اقدامات اصلاحی دکتر مصدق همراه با تبلیغات و کارشکنی‌ها و ایجاد تشنجات در طبقات مردم.

۱. جبهه ملی و شخص دکتر مصدق گمان می‌کردند که با کمک آمریکا می‌توانند نفت ایران را ملی نمایند. این باور باعث شد که آنان چرخش سیاسی آمریکا به سمت انگلیس را درک نکنند و بی‌جهت به کمک بیگانه دل‌بسته بودند.

۲. جبهه ملی متشکل از افراد و جمعیت‌های گوناگون و بعضاً متضادی بود که عناصر دشمن نیز در بین آنها نفوذ کرده بودند، برخی از این افراد دارای سابقه سوء بوده و برخی نیز عملاً به دنبال منافع شخصی خود بوده و یا عمق مبارزه را درک نکرده بودند.

دکتر غلامحسین مصدق فرزند دکتر مصدق در کتاب در کنار پدر مصدق در جریان سفر دکتر مصدق به آمریکا و سپس لاهه هلند اغلب اطرافیان پدر خود را سیاهی‌لشکر و کسانی که به دنبال منافع شخصی خود هستند معرفی می‌کند. وی در خصوص اعضای هیئت نمایندگی ایران در لاهه می‌گوید: به استثنای نواب، صالح و حبیبی بقیه اعضای هیئت سیاهی‌لشکر بودند و به دنبال تفریح و کارهای خصوصی خود می‌رفتند.

وی اضافه می‌کند: «به خاطر دارم که روزی پدرم به من گفت غلام برو مقداری شکلات بخر، من هم رفتم و یک جعبه بزرگ شکلات خریدم. وقتی جعبه را دیدم گفت چرا یک جعبه خریدی؟ گفتم چقدر باید می‌خریدم؟ گفت چهار پنج جعبه دیگر بخر، اینها را باید با شکلات جمع و جورشان کرد!» ص ۱۰۳

لازم به ذکر است که اعضای هیئت ایران عبارت بود از: حسین نواب، نصرالله انتظام، اللهیار صالح، دکتر علی شایگان، مهندس کاظم حبیبی، دکتر کریم سنجابی، دکتر مظفر بقائی و دکتر محمدحسین علی‌آبادی. در زمان اقامت هیئت ایرانی در آمریکا نیز علی‌رغم تاهکیدات دکتر مصدق برخی از اعضای هیئت به ملاقات حسین نمازی عامل کمپانی‌های نفتی رفته و با او ملاقات کردند.

سیاسی و استقلال ملت و مملکت بستگی تام دارد، صریحاً اهمیت آن را خاطر نشان نمودم مع‌الاسف مشاهده می‌شود که هیچوقت وضعیات مملکت تا این اندازه اسف‌انگیز و دلخراش نبوده و آزادی جز برای عمال انگلیس نیست مطبوعات و نشریات ملی امکان هیچگونه اظهار عقیده در بیان حقایق را ندارد به طوری که امروز یک روزنامه ملی وجود نداشته و همه در توقیفند و همچنین بسیاری از ملیون و آزادیخواهان متدین در زندانها به سر می‌برند دزدان و جانیان و عناصر بدسابقه کثیف‌ترین عمال انگلیسی با سرنیزه بدون هیچ بیم و هراسی در مراکز انتخابیه تحمیل به ملت می‌شوند و تصمیم گرفته‌اند دوباره انگلیسها را به جان و مال و عرض و ناموس ملت مسلط ساخته و مملکت را مستعمره انگلیس قرار دهند.

این اختیارات را چه کسی به آقای زاهدی داده که این دیکتاتوری شدید و رفتار قرون وسطائی را با مردم شرافتمند ایران بنماید و مملکت را بعد از آن همه فداکاریهایی که ملت برای قطع ریشه استعمار نموده دوباره اسیر چنگال اجانب کند اگر در این جنایات در امور داخلی و خارجی اتکاء او به نظامیان وطنخواه و شریف است اطمینان دارم هیچوقت آنها حاضر به این جنایات و قبول ذلت و خیانت به ملت و مملکت نیستند آنها حلال زاده و اولاد ملت مسلمان ایران هستند و در «روز سی‌تیر قوام» امتحان خود را داده‌اند صریحاً می‌گویم که اگر دست از خیانت برداشته نشود ملت رشید و غیور ایران با قیام شجاعانه خود خائنین و مسببین بدبختی خود را هر کس و در هر مقام که باشد در اولین فرصت ممکنه به شدیدترین وجهی مجازات خواهند نمود.

در خاتمه چنانچه در پایان نامه خود به آقای زاهدی قبلاً متذکر گردیدم اعلامیه‌هایی که در رادیوهای دنیا نیز منتشر گردیده گفته‌ام اگر مجلس هیجدهم با این وضعیت ننگین تشکیل شود هیچکس جز معلودی نوکران و سرسپردگان اجنبی آن را به رسمیت نمی‌شناسند و هر قراردادی که به تصویب برساند سرنوشت آن بدتر از قرارداد نفت ۱۹۳۳ خواهد بود شکی نیست که با صدور این اعلامیه گرفتار انواع تهمتها، حمله جرائد مزدور دولت و اجانب خواهیم شد ولی من همه مصائب

## اطلاعیه حضرت آیت‌الله کاشانی بر علیه دولت زاهدی و انتخابات مجلس هجدهم

بسم‌الله الرحمن الرحیم - و لا تحسبن غافلاً عما یعمل الظالمون

گمان نکنید خداوند غافل از رفتار و کردار ظلم‌کنندگان است

هموطنان گرامی با اینکه به کرات چه شفاهاً و چه ضمن اعلامیه و مصاحبه و نامه در مورد تجدید رابطه با انگلستان و مسئله نفت و تعدیاتی که به حقوق حقه مردم و سلب آزادی و اختناق مطبوعات که از طرف دولت اعمال می‌شود به موقع تذکرات خیرخواهانه به منظور حفظ منافع و مصالح عالیه ملت و مملکت به رئیس دولت داده و به خصوص درباره رعایت آزادی کامل انتخابات که با حیات

